

جان استوری

(استاد مطالعات فرهنگی دانشگاه سائدرلند)

مطالعات فرهنگی درباره‌ی
فرهنگ عامه

ترجمه‌ی

دکتر حسین پاینده

(استاد نظریه و نقد ادبی دانشگاه علامه طباطبائی)



فهرست مطالب

۷.....	فهرست مطالب
۱۱.....	مقدمه‌ی مترجم

فصل ۱

۱۷.....	پیش‌گفتار
۱۸.....	مطالعات فرهنگی و فرهنگ عامه
۲۹.....	چند نکته‌ی دیگر درباره‌ی کتاب حاضر

فصل ۲

۳۳.....	تلویزیون
۳۴.....	رمزگذاری و رمزگشایی از گفتمان تلویزیون
۴۸.....	گفتار درباره‌ی تلویزیون
۶۲.....	تلویزیون و ایدئولوژی فرهنگ توده‌ای
۷۵.....	دو وجه اقتصادی تلویزیون

فصل ۳

۸۱.....	داستان‌های عامه‌پسند
۸۱.....	خواندن داستان‌های عامه‌پسند
۸۳.....	ایدئولوژی و قرائت نشانه‌گرایانه

- ۹۱ نظریه‌ی دریافت
 ۱۰۵ شکل‌بندی‌های قرائت
 ۱۲۴ پژوهش‌های فمینیستی در خصوص قرائت داستان‌های عاشقانه

فصل ۴

- ۱۴۵ فیلم‌های عامه‌پسند
 ۱۴۶ ساختارگرایی و فیلم‌های عامه‌پسند
 ۱۵۵ پسا ساختارگرایی و فیلم‌های عامه‌پسند
 ۱۶۳ لذت بصری و فیلم
 ۱۶۸ مطالعات فرهنگی و فیلم‌های عامه‌پسند

فصل ۵

- ۱۸۳ روزنامه‌ها و مجلات عامه‌پسند
 ۱۸۳ فرهنگ عامه در عرصه‌ی مطبوعات
 ۱۹۵ مجله‌های زنان و دختران
 ۲۱۳ قرائت فرهنگ تصویری

فصل ۶

- ۲۲۵ موسیقی عامه‌پسند
 ۲۲۶ اقتصاد سیاسی موسیقی پاپ
 ۲۳۷ جوانان و موسیقی پاپ
 ۲۴۱ پاره‌فرهنگ‌ها، قوم‌نگاری و همگونی ساختاری
 ۲۵۰ واژه‌ها و موسیقی: به رقص در آوردن سخنان ساده
 ۲۵۶ سیاست و موسیقی پاپ

فصل ۷

- ۲۶۷ مصرف کالا در زندگی روزمره
 ۲۶۷ نظریه‌های مصرف

- ۲۷۴ مطالعات فرهنگی درباره‌ی مصرف کالا
 ۲۸۰ مصرف پاره‌فرهنگی
 ۲۹۲ فرهنگ‌های هواخواهی و به یغما بردن متن
 ۳۰۷ خرید به منزله‌ی فرهنگ عامه

فصل ۸

- ۳۱۵ جهانی شدن و فرهنگ عامه
 ۳۱۵ جهانی شدن
 ۳۱۸ جهانی شدن به منزله‌ی رواج فرهنگ آمریکایی
 ۳۳۷ هژمونی و جهانی شدن
 ۳۴۱ فهرست منابع
 ۳۵۷ نمایه

مقدمه‌ی مترجم

سوگند به قلم و آنچه با آن می‌نویسند.

(قرآن، سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۱)

برای آن کسانی که با نقد ادبی جدید یا مطالعات فرهنگی کمتر آشنا هستند، ترجمه‌ی این کتاب توسط کسی که حوزه‌ی کارش نظریه و نقد ادبی است چه بسا قدری تعجب‌انگیز به نظر آید. پرسشی که می‌تواند مطرح شود این است که: علائق نقادانه و ادبی چگونه می‌توانند با پژوهش درباره‌ی فرهنگ همگرایی داشته باشند؟ در پاسخ باید گفت نظریه و نقد ادبی در زمانه‌ی ما ماهیتی کاملاً میان‌رشته‌ای پیدا کرده است و تحت سیطره‌ی رهیافت‌ چندرشته‌ای موسوم به «مطالعات فرهنگی» قرار دارد. طی چند دهه‌ی اخیر، پژوهش‌های نقادانه هر چه بیشتر به سمت پیوند با سایر علوم انسانی میل کرده‌اند و این روند مبین‌گرایشی قوی به میان‌رشته‌ای ساختن تحقیقات علوم انسانی است. در گذشته، شهرت هر نظریه‌پردازی عمدتاً و گاه منحصرأ به رشته یا حوزه‌ی معینی از علوم انسانی محدود می‌شد. لذا از منتقد ادبی توقع نمی‌رفت که درباره‌ی اوضاع